

صحيفة الحسن عليه السلام

[12] تخم مرغ را شکسته و خورده ام تکلیفم چیست ؟ أبو بکر در پاسخ ماند و به عمر مراجعه کرد، او نیز همانند دوستش از پاسخ فرو ماند، و مسأله را به عبد الرحمان بن عوف ارجاع دادند از او نیز پاسخی شنیده نشد، ناچار اعرابی را به خانه عالم غیر معلم امیر مؤمنان علیه السلام هدایت کردند، آن حضرت اشاره به حسنین علیهما السلام کرد و فرمود: از این دو پسر از هر کدام که می خواهی سؤال کن. مرد عرب از امام حسن علیه السلام خواستار جواب شد، امام پرسید: آیا شتر داری ؟ گفت: دارم، فرمود: به تعداد تخم هائی که از شتر مرغ خورده ای، ماده شترانی را با شتران نر در آمیز و بچه های آنها را به خانه خدا هدیه کن، امام علی علیه السلام فرمود: ممکن است بعضی از شتران ماده بچه نیاورند، امام حسن علیه السلام پاسخ داد: ممکن است بعضی از تخمهای شتر مرغ هم فاسد باشند، امام فرزندش را تحسین کرد و به حاضرین توجه فرمود و از مواهب علمی و آگاهی فرزندش سخنها گفت و اضافه کرد: آن کس که به حسن علیه السلام علم آموخت همان خدائی است که به سلیمان بن داود حکمت آموخت. امام در زمان عمر دوران کودکی را پشت سر گذارده و به دوران تازئه جوانی رسید و سیاست عمر اقتضا می کرد که مقام امام را بزرگ داند، و بزرگداشت پایگاه حسنین علیهما السلام را واجب شمارد و برای آنان از غنائمی که به مسلمین می رسد، بهره ای قرار دهد، چنانکه گویند حله هائی از یمن به او رسید و عمر دو حله برای حسنین علیهما السلام فرستاد و نصیب آنان را از غنائم به میزان پدرشان علی علیه السلام قرار داد و آنان را شمار اهل بدر در
